**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**فهرست مطالب:**

[تعزیر صبی 2](#_Toc427626340)

[مرور بحث پیشین 2](#_Toc427626341)

[وسعت معنایی تأدیب 2](#_Toc427626342)

[تأدیب تربیتی 2](#_Toc427626343)

[تنبیه آموزشی 3](#_Toc427626344)

[اقسام تنبیه 3](#_Toc427626345)

[جواز ضرب صبی 3](#_Toc427626346)

[حق والدین در تنبیه 3](#_Toc427626347)

[دو قید دخیل در حکم 4](#_Toc427626348)

[جمع‌بندی 4](#_Toc427626349)

[تنقیح مناط 5](#_Toc427626350)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc427626351)

# تعزیر صبی

# مرور بحث پیشین

در بحث سابق مقام در قبال صبی موردبررسی قرار گرفت، گاهی در مورد معاصی است که دارای حد است، این مقام اول بود، گاهی در مورد معاصی است که برای افراد عادی تعزیر دارد، این مقام دوم بود. مقام سوم زدن صبی بود برای تربیت او ازلحاظ اخلاقی و اجتماعی و اینکه در مورد اجتماعی، اخلاقی و خانوادگی نیاز است که ولی در شرایطی یا معلم و مربی در شرایط دیگری او را تنبیه کنند، آیا تا این حدود جایز است یا حدی رادار است؟

## وسعت معنایی تأدیب

نکته دوم این است که تأدیب به این معنی اختصاص به این ندارد که لزوماً او فعلی را مرتکب شده و ما پس‌ازآن برای عدم تکرر روش تنبیه را در پیش می‌گیریم. بلکه مواردی که برای پیشگیری است نیز موردبحث و بررسی ما خواهد بود.

## تأدیب تربیتی

نکته سوم این است که منظور از تأدیبی که اینجا گفته می‌شود، همان‌طور که مرحوم صاحب جواهر هم دارد و مرحوم آقای گلپایگانی هم مفصل توضیح دادند، تأدیبی است که برای تهذیب و تربیت شخص باشد. اما اگر کسی از روی انتقام‌جویی می‌خواهد بزند، غالب فقها عقیده دارند مشکل شرعی دارد. لذا اگر از روی تشفی و انتقام‌جویی باشد، کار درستی نیست.

## تنبیه آموزشی

در مباحث تعلیم و تربیت مطرح است که تنبیه درواقع یک روش تربیتی است. هم می‌تواند روشی آموزشی و هم تربیتی باشد، به‌هرحال درروان شناسی بر روی تنبیه و تشویق آثار خاصی بارشده و بیش‌ازپیش موردتوجه قرارگرفته است.

## اقسام تنبیه

تنبیه دارای اقسام است، یک قسم از آن تنبیه بدنی است که همان ضرب باشد،، گاهی اوقات تنبیه از راه تغافل و غمض عین است، گاهی در اخم و خشم و توبیخ است. درهرحال هم تنبیه و هم سایر اقسام زیرمجموعه آن دارای مراتبی است و مرتبه عالیه آن همان تنبیه بدنی است. لذا تعزیر برای شکل‌گیری روند تربیتی و تغییر شخصیت در فرد است.

## جواز ضرب صبی

بعد از ذکر این مقدمات، یک‌جهت این است که اصولاً زدن برای تربیت جایز است یا جایز نیست؟

در حقیقت این فرع نیز چندان موردبحث قرار نگرفته است، اما اصل این است که جایز نیست. چراکه آزار و اذیت دیگری متصف به حرمت بوده و مسلم و غیرمسلم را دربر می‌گیرد. هم ادله لفظی و هم اصول عملیه آن را اقتضاء می‌کند.

## حق والدین در تنبیه

درزمینهٔ تأدیب چارچوبی ترسیم‌شده است و در روایات این حق به والدین او سپرده‌شده است، لذا مسئولیت برای آن‌ها قرار داده‌شده است، چراکه آن‌ها مسئولیت تربیتی او را بر عهده‌دارند. پس اصل در این حکم عدم جواز است، اما در مرتبه دوم، بنا بر آنچه در روایات صوم و صلاة بیان‌شده است، اصل زدن جایز است، لذا در مقام تربیت برای اولیای طفل تنبیه بدنی جایز است. البته با آن محدودیت بسیار سختی که بعد خواهیم دید. ولی فی‌الجمله اصلش جایز است، اما تنها برای اولیای طفل جایز است. چون معمول این روایاتی که در ابواب مختلف داریم، در باب تنبیه بدنی و مربوط به اولیای طفل است و غیر اولیا مشمول این حکم نخواهند شد.

علاوه بر این روایات عام، روایات خاصی در بعضی ابواب داریم. مثلاً در باب نماز است که می‌گوید اگر به سن هفت‌سالگی رسیدید می‌شود او را زد برای اینکه نماز بخواند. منتها همان‌جا که می‌شود زد حدی برای آن تعیین کرده است. در باب نماز و روزه و بعضی ابواب خاص ما روایاتی داریم که زدن را تجویز کرده است منتها همه این‌ها حدی برایش قرار داده‌شده است. به‌هرحال این‌یک مسئله است که اصل تنبیه بدنی فی‌الجمله لا بالجمله، جایز است. فی‌الجمله که می‌گوییم یعنی با دو قید، این جواز محقق خواهد شد.

## دو قید دخیل در حکم

دو قید در این زمینه تأثیرگذار است؛ یکی اینکه تنها برای اولیای طفل است و دوم اینکه در چارچوب و محدوده‌های بسیار سختی که بیان‌شده است جایز است. دلیلش هم همان روایاتی است که در باب صلات و غیره آمده است. یعنی همین‌که روایت می‌گوید، حد برایش تعیین‌شده است، یعنی حد جایز است.

## جمع‌بندی

پس جهت اول این است که اصل عدم جواز است، الا ما خرج. در باب تأدیب و تربیت ذکرشده است که فی‌الجمله برای افراد مخصوصی تنبیه بدنی جایز است، آن‌هم با حدود و شرایط مخصوص‌های که برای آن وجود دارد. جهت دوم این است که این زدن به لحاظ متکفل و متصدی محدود است. محدودیت آن این است که این تأدیب و ضربی که بحث می‌کنیم به اولیاء اختصاص دارد. ولی آن‌طور که از روایات برمی‌آید پدر و مادر و یا کسی که متکفل صبی می‌شود، در مقام تربیت او هستند.

بنابراین هر رهگذری این حق را ندارد که بگوید من می‌خواهم بچه را تربیت کنم تا اخلاق اجتماعی او خوب شود.

## تنقیح مناط

درمجموع کسانی که به‌نوعی عرفی مسئولیت تربیتی صبی را بر عهده‌دارند، می‌توان تنقیح مناط شود که برای او این حق وجود دارد، بنابراین کسانی که این نوع مسئولیتی ندارند، از این باب نمی‌توانند اقدامی بکنند.

گفتیم چون از او گناهی معنا ندارد، لذا اصل این است که حد و تعزیری برای او نیست. منتها روایات و دلیل خاص داشتیم که برای صبی تعزیر هست. اما امربه‌معروف و نهی از منکر در مواردی که از فرد گناه صادرشده است، برای افراد بزرگ‌تر است.

## نتیجه‌گیری

بنابراین بحث تأدیب اعم است از بحث گناهان و قلمروهای دیگر شخصیتی و اخلاقی هم می‌گیرد. ولی کسی می‌تواند اقدام کند که اولیای اطفال است. غیر اولیای اطفال نمی‌توانند. بله اگر از مقوله گناهان باشد، حاکم هم می‌تواند از باب تعزیر اقدام کند.

جهت سوم این است که اولیای اطفال می‌توانند تنبیه بدنی کنند، ازجمله معلمین و بقیه افرا تأثیرگذار در تربیت او. اما به‌عنوان ثانوی و از باب حکومت و اختیارات حکومت آن محل بحث نیست. بلکه تابع تشخیص حکومت است. اما اینکه این تأدیب تا چه اندازه جایز است. روایاتی دارد که در باب هشت، ابواب بقیه الحدود صفحه پانصد و هشتادویک ذکرشده است.